

سرزمین نیاکان

● محمدحسین فرمهبینی فراهانی

دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه ملی تاجیکستان

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن شد.

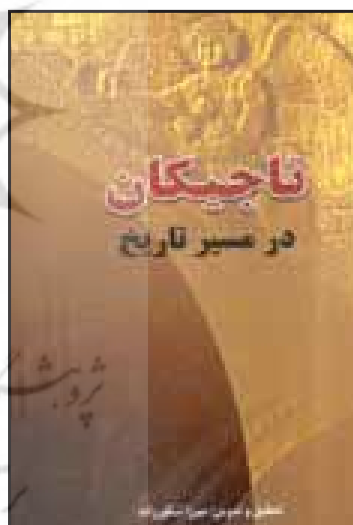
تاجیکستان دارای ۱۴۳۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت است که از این مقدار تنها ۶٪ آن قابل کشت است و بقیه آن را کوه‌ها و دره‌های غیرقابل کشت و سکونت تشکیل می‌دهد. رشته کوه‌های مختلف آن، کشور را به مناطق تقریباً جدا از هم تقسیم کرده است و این مناطق تقریباً جدا از هم به وسیله‌ی راه‌های باریکی که در فصل‌های سرما به جهت بارش برف‌های سنگین چندین ماه بسته می‌شوند به هم مرتبط می‌شوند.

تاجیکستان به چهار منطقه طبیعی تقسیم می‌شود که بزرگ‌ترین این نواحی بدخشان کوهی است با وسعتی برابر ۶۳۷۰۰۰ کیلومتر مربع تمام شرق این کشور و مرز با افغانستان و چین را تشکیل می‌دهد.

دومین منطقه تاجیکستان با ۲۸۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت، منطقه مرکزی تاجیکستان است که بین منطقه بدخشان کوهی و مرز ازبکستان و بین سه رشته کوه ترکستان، زرافشان و حصار واقع شده است.

منطقه مرکزی به ناحیه قرا تگین و حصار تقسیم می‌شود. ناحیه حصار به لحاظ قرار گرفتن در موقعیت ترانزیت، اهمیت خاصی برای کشور دارد.

منطقه طبیعی سوم تاجیکستان با وسعت ۲۴۶۰۰ کیلومتر مربع، ولایت ختلان نام دارد که بین کوه‌های حصار، آمودریا و رودخانه پنج قرار گرفته است. این منطقه همچنین مرز بین ازبکستان و افغانستان را تشکیل می‌دهد. این منطقه از طریق دره یاولان به مرکز متصل می‌شود و خود به دو ناحیه قرغان تپه در غرب و کولاب در شرق تقسیم می‌شود. این منطقه به جهت خاک مناسب و جاری بودن رودهای



■ تاجیکان در مسیر تاریخ

■ میرزا شکورزاده

■ انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول ۱۳۸۵، ۵۳۲ صفحه

اشاره

جمهوری تاجیکستان یکی از پانزده جمهوری تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی بود که با فروپاشی آن در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسید. استقلال تاجیکستان با شروع جنگ داخلی در این کشور هم‌زمان شد و این هم‌زمانی باعث مضاعف شدن مشکلات مختلف



پر آب و خوش و کافرنه‌ها اصلی‌ترین منطقه کشاورزی تاجیکستان محسوب می‌شود.

منطقه طبیعی چهارم کشور که در شمال کوه‌های ترکستان واقع شده است ولایت سغد (نئین آباد) است که در حدود ۲۶۱۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. این منطقه از لحاظ داشتن منابع زیر زمینی مانند منابع هیدروکربوری، طلا و دیگر فلزات نایاب به قطب صنعتی تاجیکستان تبدیل شده است.

تاجیکستان کشوری است با ۶ میلیون نفر جمعیت که از ۱۴ قومیت مختلف تشکیل یافته است. در میان اقوام مختلف این کشور، تاجیک‌ها بیشترین تعداد جمعیت کشور (۷۰ درصد) را تشکیل می‌دهند و پس از آن ازبک‌ها و پامیری‌ها قرار می‌گیرند. روس‌ها، آلمان‌ها، قرقیزها، تاتارها، اوکراینی‌ها و ترکمن‌ها از دیگر اقوام ساکن تاجیکستان محسوب می‌شوند.

اقامت تاجیک‌ها در این سرزمین، به قبل از هزاره دوم پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد، لذا می‌توان آنان را اصلی‌ترین سکنه این کشور محسوب داشت. تاجیکان از لحاظ نژادی آریایی و از لحاظ فیزیولوژی بدن، فرهنگ و زبان جزو خانواده‌های ایرانیان محسوب می‌شوند و از لحاظ مذهب مسلمان و از فقه حنفی پیروی می‌کنند.

معرفی محقق و گردآورنده کتاب

میرزا شکورزاده یکی از ادیبان عالی مقام تاجیکستان است که در شهرستان مسیچا، وادی زرافشان تاجیکستان، در سال ۱۹۴۹ میلادی چشم به جهان گشود و به خاطر علاقه به زبان فارسی، بعد از تحصیلات

کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ حاصل تفکر اندیشمندان ایرانی تاجیک‌شناس و دانشمندان افغان و تاجیک ایران‌شناس است



ابتدایی و مقدماتی وارد دانشگاه ملی دولتی تاجیکستان و در سال ۱۹۷۳ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و به سفرهای مختلف جهت مأموریت فرهنگی اعزام شد. نامبرده آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته است. در سال ۱۹۸۸ موفق به نگارش کتاب ستاره‌های رخشنده شد. در سال ۱۹۹۲ کتاب ارزشمند تاجیک - تاجور - تاجدار را به رشته تحریر درآورد و در سال ۱۹۹۰ کتاب تیغ جان‌بخش را چاپ کرد.

معرفی کتاب

کتاب تاجیکان در مسیر تاریخ حاصل تفکر اندیشمندان ایرانی تاجیک‌شناس و دانشمندان افغان و تاجیک ایران‌شناس است. در جمع این گروه، نویسندگان اروپایی تاجیک‌شناس و ایران‌شناس هم دیده می‌شود.

این کتاب گرچه پاسخی به نیاز جامعه‌ی تاجیکان است که در حال گذار از دوران پوست‌اندازی و بحران هستند، اما به کتبی که در دوران بحران به رشته‌ی نگارش در می‌آیند و عموماً روح شتاب‌زدگی و کم

گرچه همدلی شرط دوستی
است و گاه هند و ترک
هم‌زبان می‌شوند؛ اما
رشته‌های مودت و دوستی
بین این دو برادر هم‌آیین و
خویشاوند همراه با همدلی،
هم‌زبانی نیز هست



کلمه تاجیک و ملت تاجیک. حاج زین‌العابدین شیروانی در کتاب *بستان السیاحه* در ذکر نام تاجیک می‌گوید نام طایفه‌ای است. بعضی گویند از نسل یافث بن نوحند و جمعی گفته‌اند از تخمه سام نوحند و فرقه‌ای بر آن رفته‌اند تاجیک مقابل ترک است یعنی فارسی‌زبان. سعید نفیسی در فصل اول در ذیل مقاله‌ای تحت عنوان سرزمین پاک نیاکنم می‌گوید: «نمی‌دانم زبان فارسی این قدر شیرین است یا هر زبانی برای کسانی که با آن سخن می‌رانند همین شیرینی و گوارایی را دارد». وی می‌گوید در شمال شرقی ایران سرزمینی وجود دارد که زمانی جزو ایران بوده و مردم آن به ایران علاقه‌مندند و علما و ادبا بسیاری در آن زندگی می‌کنند که من دوست دارم با آن‌جا که سرزمین نیاکنم است ارتباط داشته باشم.

در فصل اول، صدرالدین عینی در مورد معنای کلمه تاجیک، ولادیمیر بار تولد در مورد تاجیکان و ایرج افشار سیستانی در مورد شناخت قوم تاجیک توضیح داده‌اند. پروفیسور هماد در مورد تاجیک‌ها می‌گوید: «تاجیک‌ها نه تنها یکی از جمعیت‌های عمده افغانستان، بلکه یکی از گروه‌های چندین جمهوری آسیای مرکزی و ناحیه سریکول سین کیانگ چین را نیز تشکیل می‌دهند. از نظر نژاد بیشترشان متعلق به نژاد

توجهی بر آن‌ها حاکم است، کمتر شباهت دارد. بعضی از مقالات کتاب به لحاظ شیوه‌ی تحقیق و استقصای منابع، در زمره‌ی بهترین مقالاتی است که در این حوزه‌ی تحقیقی به رشته‌ی نگارش درآمده است.^۱ استاد علی اصغر شعر دوست در مقدمه ناشر همدلی و دوستی دو ملت ایران و تاجیکستان را ستوده است و می‌گوید هر دو با غزل رودکی لحظه‌های سرورآمیز حیات را رنگین می‌کنند، همراه با خداوند شاهنامه به دنیای اسطوره‌ها گام می‌نهند و با غزل مولانا دست‌افشانی می‌کنند. عوامل مشترک فرهنگی زنگ سالیان فراق را از دل می‌زاید و هر دو برادر سخن مشترکی را بر زبان می‌رانند.

گرچه همدلی شرط دوستی است و گاه هند و ترک هم‌زبان می‌شوند؛ اما رشته‌های مودت و دوستی بین این دو برادر هم‌آیین و خویشاوند همراه با همدلی، هم‌زبانی نیز هست. قند پارسی به استحکام این پیوند مدد رسان است. میرزا شکورزاده در بخش نخست کتاب، درمندانانه مشکلات مردم تاجیکستان را برمی‌شمرد و با سؤال‌های بی‌شماری خواننده را به فکر فرو می‌برد که به راستی سمرقند و بخارا چه شده، رودکی کجاست. کتاب دارای دو فصل است. فصل اول مجموعه مقالاتی است در مورد



سفیدند، اما گاهی می‌توان مشخصات نژاد مغولی را در بینشان مشاهده کرد که ناشی از عروسی‌های متقابل آن‌ها با مردم ترک است.»

به غیر از افراد مذکور، محمد محیط طباطبایی، سید محمد دبیر سیاقی، سید محمد علی سجادیه، علی دیوانه قل، عبدالاحد جاوید، نورقل ذهنی، عبدالغیاث نوبهار، مسکین میهن پرست، جلال الدین صدیقی، مریم میراحمدی، احمد عبدالله، محسن عمرزاده، عبدالقادر خان آقه‌باش قاجار، دکتر پاشینوو مهدی سیدی همگی در مورد سرنوشت تاجیکان، چه تاجیک افغان چه تاجیک بدخشانی، و اصل و نسب آن‌ها سخن رانده‌اند.

در فصل دوم، تحت نام بلشویک‌ها و تبر تقسیم سرزمین تاجیک، ۸ مقاله نگارش یافته است. در این فصل استاد محمد جان شکوری، ضمن تشریح دوران معاصر و چگونگی تقسیم این کشورها و جمهوری‌ها، به تلاش ازبک‌ها برای از بین بردن تاجیکان اشاره می‌کند و اسنادی را ارائه می‌دهد که برای نابودی ملت و زبان تاجیک اقوامی بسیج شده‌اند تا مردم با فرهنگ تاجیک رابی‌هویت کنند.

جدا شدن شهرهای سمرقند و بخارا از جمهوری تاجیکستان ضربه‌ای بر پیکر ملت تاجیک است. دکتر علی اکبر ولایتی با نگاهی دوباره به تاریخ آسیای مرکزی می‌گوید: «گذری سریع بر گذشته این منطقه نشان می‌دهد که قبل و بعد از اسلام، این بخش از آسیا در تاریخ تمدن و نیز تحولات سیاسی نقش اساسی داشته است. سغد، سمرقند، بخارا، خجند، اشروسنه، ترمذ و... از پایگاه‌های اسلام بوده‌اند. مگر می‌توان با تبدیل نام شهرهای بزرگ

اسلامی به کلمات نامربوطی چون لنین‌آباد، فروزه و کیروف‌آباد، سوابق درخشان تاریخی آن‌ها را مخدوش کرد؟ مردم سمرقند را به رودکی و سوزنی و الغ‌بیک، بخارا را به محمد بن اسماعیل بخاری، ابوعلی سینا و عمق، ابوالفضل محمد بن عبدالله بلعمی، خوارزم را به خوارزمی، جارالله زمخشری و ابوریحان بیرونی، ترمذ را به ترمذی، ابیورد را به انوری، بست را به ابوسلیمان المقدسی رأس اخوان الصفا، بلخ را به مولانا، ناصر خسرو، عنصری، ابومعشر و ابوشکور بلخی، خیوه را به شیخ نجم‌الدین کبری و خجند را به کمال‌الدین محمد و... می‌شناسند. کیست که در همان نگاه اول پیوند فرهنگی و هنری بین مدرسه‌ی شیردار میدان ریگستان سمرقند و مسجد شیخ لطف‌الله میدان نقش جهان اصفهان را لمس نکند؟!»

جلال اکرامی، عباس علی‌اف و عبدالقادر محی‌الدینوف، رستم شکروف و ادش استند و آخرین امیر بخارا به نام امیر عالم خان دیگر افرادی هستند که در بخش دوم کتاب مقالاتی در مورد تقسیم سرزمین تاجیک و بلشویک‌ها ارائه کرده‌اند.

در بین مقاله‌ها مشاهده می‌شود که نویسندگان سعی کرده‌اند اصل و نسب این قوم آریایی را اثبات کنند؛ چون بعضی از نویسندگان تاجیک‌ها را از اعراب یا از ریشه‌ای از مغول‌ها می‌دانند. میرزا شکورزاده سعی داشته است مقالاتی را جمع‌آوری کند که اصالت و هویت ایرانی بودن را اثبات نماید.

در پایان بخش دوم، نویسنده کتاب در مورد نویسندگان مقالات اطلاعات مختصری به‌دست می‌دهد.